

تحقیق در طبقات خاک توده های

بلخ

نظر باستان شناسی

هیئت اعزامی حفاریات فرانسه در افغانستان که از ۱۹۲۶ بار دیگر تشکیل گردید در بهار ۱۹۲۷ تصمیم گرفت که در خرابه های بلخ قسیم یا (بکتر) که از ۱۹۲۲ باینطرف متره که مانده بود حفاریات را سرانجام داد.

بلخ فراریکه همه میدانند یکی از نقاطی است که از همه اولتر توجه هیئت حفاریات فرانسوی را بخود جلب نمود و بمجر دیکه هیئت مقام و موقعیت خود را استقرار بخشید (۱۹۲۲) موسیو ایلر فوشه موسس هیئت از دسامبر ۱۹۲۳ تا ژوئیه در ۱۹۲۵ مدت ۱۸ ماه در بکتر اقامت گزید و اجراءات او که اخیراً شرحش در فصلار خاطرات هیئت اعزامی بلخ رسیده است چندان تکمیل بلخ از مشاغل بلخ نشی نداد.

مغذالك فرازیکه خود موسیو فوشه هم به عدم کامیابی اقدامات اولیه ملتفت میباشد حفاریات مذکور را نظر به عدم وسعت آن نمیتوان بصفت کامل حفاریات بلخ خواند زیرا دامنه آن فقط در دو نقطه و در ساحه محدودی انبساط یافته بود و بس حالانکه خرابه های بلخ نهایت وسیع است و اقدامات اولیه با داشتن جنبه منفی دلیل شده نمیتوان نسبت که حفاریات در بقایای این نقطه تاریخی از سر گرفته نشود. علاوه برین باید در نظر داشت که عصر ما تا عصر فوشه فرق زیاد دارد مشارالیه در موفی مصروف تحقیقات علمی بوده که سلاسل جبال هندوکش را هنوز به سواری اسپودر طی چندین هفته عبور میکردند و وسایل و افزار عملیات حفاری خیلی محدود و ابتدائی بود حالانکه از ۱۹۲۵ باینطرف اصلاحات بزرگی در افغانستان بعمل آمده و در سایه امنیت کامله و رفعت و آمد سر بر و آسان موتر و تجهیزات عصری شرائط کار و حفاریات بمراتب برای ما بهتر و مساعدتر میباشد. حفاریات موسیو فوشه در نظر ما از مایشی بوده جرئت بخش و وقت مساعد و وسایل بهترتر ایجاب میکرد که دنباله کار ادامه یابد. چون ساحه خرابه های بلخ خیلی دامنه دار و وسیع میباشد پیش از اقدام بیک حفاریات معین مطالعه قشر زمین موضوعی است نهایت مهم و این منظور بر آورده نمیشود تا یک سلسله جاهار در نقاط مختلف

آرناانا (۱۵۰ جلد) ب عبدالاحمد - رح علی محمد - ح کل محمد - ن رجب علیخان ه اجراییه بنتو اولنه ۲۹-۱-۱۶ ش مطبعه عدومی کابل

تحقیق در طبقات خاک تود های

(۱۷)

خرابه های بلخ حفر نشود. پس آنچه درین رایورت شرح یافته موضوع کندن چاهها و مطالعه اعماق زمین تاریخی بلخ است که آنهم فقط در چهار منطقه معین ذیل صورت گرفته و بحساب مجموع سطوح قابل مطالعه حصه بسیار محدودی بشمار میرود. این چهار منطقه فرار آبی است.

- (۱) تپه زرگران (از چاه ۱ تا ۱۲)
- (۲) بالاحصار (از ۱۳ تا ۴۹)
- (۳) حوالی دروازه بابیه فویادروا زه جنوبی [از چاه ۵ تا ۵۳]

[۴] یک منطقه مرکزی که بفاصله کم بجنوب میدان مد ور بلخ جدید فرار گرفته . (از چاه ۵۴ تا ۵۹) .

این چاهها همه بصورت مربع که هر ضلع یک ونیم متر طول داشت کنده شده در بعضی از آنها برای پیش بینی رفع خطر غلطیدن قسمت فوقانی چاه تا عمق ۲ یا ۳ متر عرض تر حفر شده سطح چاه نمره [۱۰] در اثر حفر چاه الحافی دوبرابر گردید . در مجاورت چاهای نمره [۱۶] و [۵۵] دو چاه از مایشی دیگر حفر شد که بنام [۱۶ الف] و [۵۵ الف] یاد شده اند به استثنای چاه نمره [۱۰] که تیکر های آن علیحده جمع شده است مجموع چاهای حفر شده به [۶۱] بالغ میگردد .

این چاهها در تمام نقاط واحد امکان عمیق کنده شده است معذالك در اغلب آنها پیش از اینکه به طبقات باستانی برسیم آب برآمد و ادامه کار معطل شد بدن ترتیب در تپه زرگران در چاهای نمره ۲-۸-۱۷ تقریباً در تمام چاه های بالاحصار به استثنای چاهای نمره ۱۷ و ۴۹ که در آنها فرار ظاهر سطح باستانی و سطح آب باهمدیگر منطبق بود. دو چاه منطقه حوالی دروازه جنوبی [چاه ۵۱ و ۵۳] پنج چاه مرکز [چاه های نمره ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۸ ، ۵۹] علاوه برین دو چاه تپه زرگران [چاه نمره ۴۱ و ۴] بعد از حفر کمی بسکلی متروک گردید زیرا خاک نرم آب آوردن کمی ظهور نمود و تشخیص طبقات را مشکل ساخت و بر علاوه خطری ایجاد کرد . زمین اصلی یا اقلاً زمینی که شواهد دست بشری دران دیده نمیشد در هفت چاه تپه زرگران [چاه های نمره ۳ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱] در دو چاه حوالی دروازه جنوبی [چاه های نمره ۵۰ و ۵۲] و در یک چاه مرکز [چاه نمره ۵۷] به مشاهده پیوسته تیلوی ذیل عمق چاهها را ارائه میکنند .

تپه زرگران :

- ۱ - ۱۰/۳۰ متروک
- ۲ - ۱۵/۰۰ آب
- ۳ - ۱۱/۲۵ زمین اصلی (آخرین تیکر محلی ۹/۷۵ متر)
- ۴ - ۱۱/۱۵ متروک
- ۵ - ۹/۶۵ زمین اصلی (آخرین تیکر محلی ۷/۹۰ متر)
- ۶ - ۸/۸۰ (آخرین تیکر محلی ۸/۵۰ متر)
- ۷ - ۸/۰۵ (آخرین تیکر محلی ۷/۱۰ متر)
- ۸ - ۵/۶۵ آب

- ۸/۶۰۹ - زمین اصلی (آخرین تیکر محلی ۷/۲۵ متر) ۳۷ - ۶/۵۰ آب
- ۱۰ - ۱۰/۵۵ > > (آخرین تیکر محلی ۱۰/۲۵ متر) ۳۸ - ۹/۴۵ >
- ۱۱ - ۱۰/۶۰ > > (آخرین تیکر محلی ۹/۶۵ متر) ۳۹ - ۷/۹۰ >
- ۱۲ - ۷/۹۰ آب > ۴۰ - ۷/۹۰ >

بالا حصار:

- ۱۳ - ۹/۴۵ آب >
- ۱۴ - ۳/۹۰ >
- ۱۵ - ۳/۳۵ >
- ۱۶ - ۵/۸۰ >
- ۱۶ الف - ۵/۵۰ >
- ۱۷ - ۵/۲۵ زمین اصلی؟ >
- ۱۸ - ۵/۰۰ آب >

۴۹ - ۲۳/۰۰ زمین اصلی؟ (آخرین تیکر محلی ۲۲/۴۵ متر)

منطقه دروازه جنوبی:

- ۵۰ - ۸/۹۰ زمین اصلی (آخرین تیکر محلی ۷/۳۰ متر)
- ۵۱ - ۹/۵۵ آب
- ۵۲ - ۱۱/۵۰ زمین اصلی (آخرین تیکر محلی ۸/۶۰)
- ۵۳ - ۹/۹۰ آب

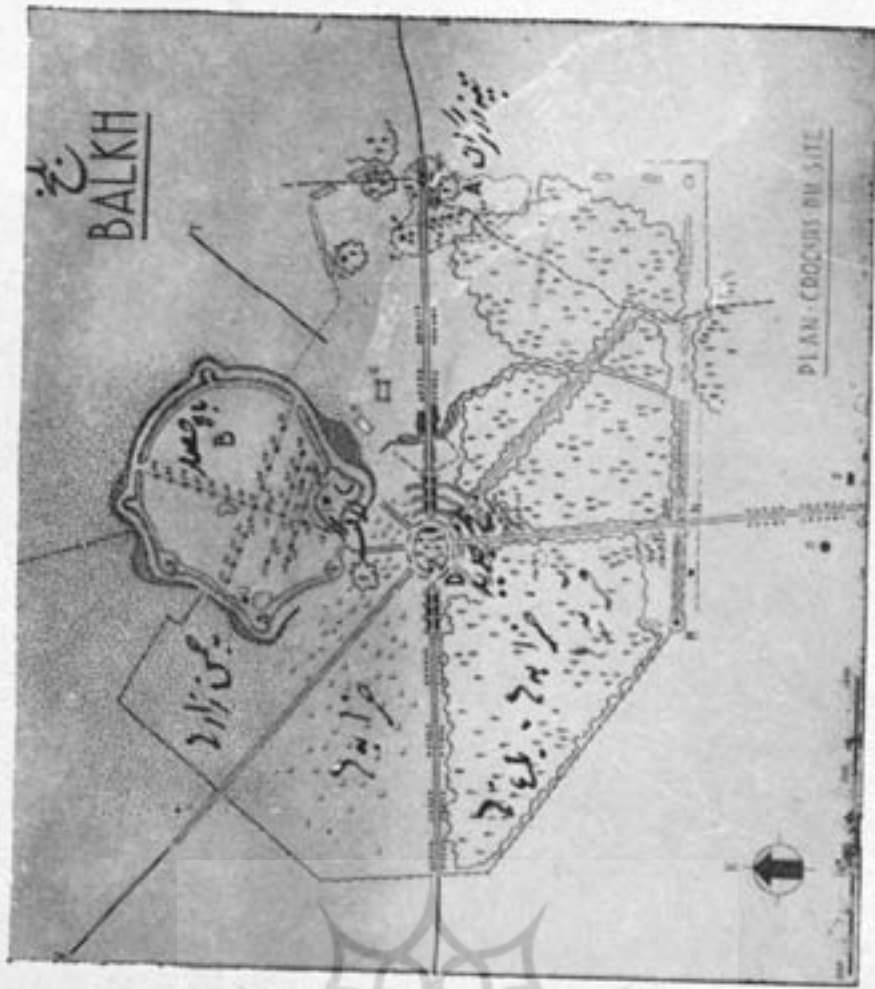
مرکز:

- ۵۴ - ۹/۹۰ آب
- ۵۵ - ۵/۶۵ متروک
- ۵۵ الف - ۸/۲۵ آب
- ۵۶ - ۶/۹۰ >
- ۵۷ - ۶/۹۵ زمین اصلی (آخرین تیکر محلی ۵/۴۰)
- ۵۸ - ۹/۵۵ آب
- ۵۹ - ۷/۶۵ >

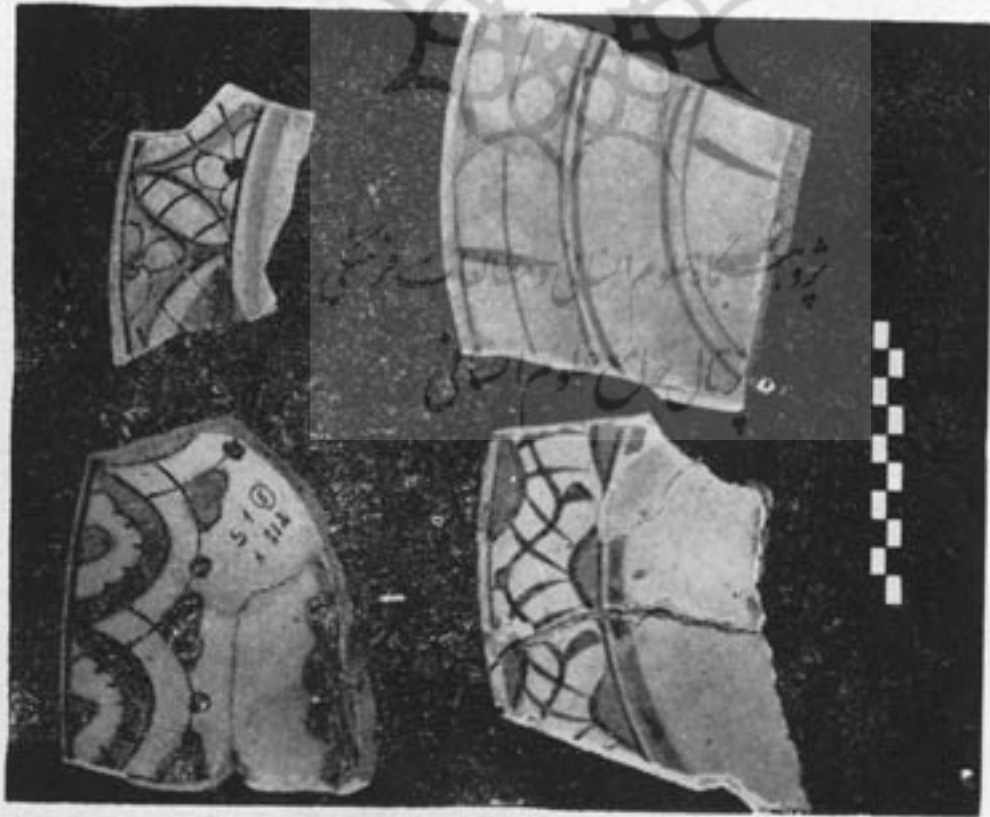
- ۱۹ - ۳/۳۵ >
- ۲۰ - ۳/۵۰ >
- ۲۱ - ۴/۱۵ >
- ۲۲ - ۵/۰۰ >
- ۲۳ - ۵/۰۰ >
- ۲۴ - ۴/۸۰ >
- ۲۵ - ۷/۶۰ >
- ۲۶ - ۴/۷۵ >
- ۲۷ - ۴/۶۰ >
- ۲۸ - ۵/۷۰ >
- ۲۹ - ۳/۵۰ >
- ۳۰ - ۷/۰۰ >
- ۳۱ - ۳/۳۰ >
- ۳۲ - ۴/۱۰ >
- ۳۳ - ۴/۴۵ >
- ۳۴ - ۸/۴۰ >
- ۳۵ - ۸/۶۵ >
- ۳۶ - ۶/۹۰ >



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



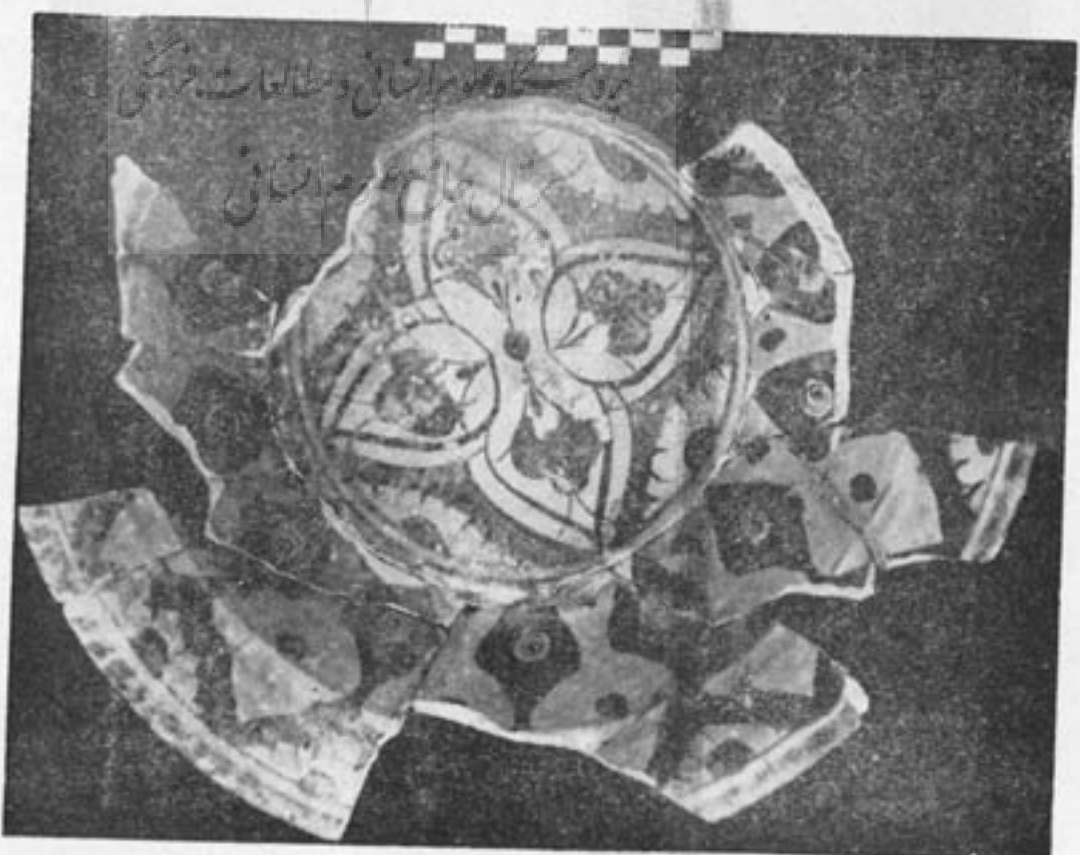
پلان افتاده حفريات در بلخ



تصویر ۲ نیکر لعاب دار آبی و سیاه که در طبقات نوقانی
تپه زرگران و بالاخصار بدست آمده است .



تصویر (۴) پارچه عالی رنگ توری تیسکر لماب دار سفید با نقوش نسواری و آبی کم رنگ (چاه) نمره ۱۶ الف از صوق تقریباً ۷ متر به دست آمده است)



تصویر (۳) توری تیسکری لماب دار سیاه و آبی گداز بالا حصار کتف شده (چاه) نمره ۱۶ الف صوق تقریباً ۷ - ۷ متر

مردان نگاه مردم آشنایی و مطالعات فرهنگی
 در استان خراسان

نظری به تبلوی فوق ضخامت طبقات با ستان شناسی را در چهار منطقه فوق که تحت عملیات آمده است نشان میدهد.

۱ تپه زرگران : يك منطقه مرگزی که در حاشیه و بطرف جنوب جر خط سرك جدید واقع میباشد (چاهای ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵) دارای خاک توده هائی است به ضخامت بیش از ۱۲ متر. چاه متروک نمرة (۴) و چاهای نمرة (۳)، (۱۰) و (۱۲) که حفر آنها در گودالها بعمل آمده است مانع اظهار این نظریه نمیشوند.

بطرف شمال و جنوب این منطقه مرگزی سطح تپه با نشیبی پایان می آید و بدین ملاحظه به تناسب نشیب از ضخامت طبقات کاسته میشود و فقط در يك چاه نمرة (۶) به ۸ متر میرسد.

۲ بالا حصار : در بالا حصار يك سلسله چاهها در امتداد دو محور کشنده شد در امتداد محور طول از (چاه نمبر ۱۳ تا ۲۴) و در امتداد محور عرض از چاه نمرة (۲۵ تا ۲۳) حفر گردید. از روی این چاهها واضح گردید که فشر خاک توده ها ضعیف میباشد و از چاه نمرة (۱۶) به بعد در امتداد محور طول و در تمام امتداد محور عرض یعنی در تمام حصص شمالی ساحه بالا حصار ضخامت فشر خاک ۶ متر حتی کمتر میباشد. چاه نمرة (۳۰) که در يك نقطه بلند انتصاب شد و چاه نمرة (۲۵) که زمین در مجاورت حصار کسب بلندی کرده است باز هم مخالف این نظریه نیست.

يك سلسله چاهای دیگر در امتداد دو محور دیگر عرض حفر گردید.

(۱) چاه نمرة ۳۸ تا ۴۳

(۲) چاه نمرة ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ تا ۴۶ بعد چاهای نمرة ۲۵ و ۲۷ به علل توپوگرافی محلی خارج خطوط مهوری کشنده شد. این چاهها وانمود میکنند که در آن حصه بالا حصار که فرابت به ارگ دارد صفحات باستانی زمین که خاک توده ها ضعیف است و از ۶/۵۰ تا ۹/۵۰ متر میرسد. چاهای ۱۴ و ۱۵ که در اعماق گودالهای محلی افتاده مخالف این نظریه نیست.

(۳) و (۴) منطقه دروازه جنوبی مرگزی در همه جا وسط ضخامت کمتر از ده

متر است.



چون در ائرحفیات ما از نقطه نظر میزان زمان (کرونو لوزی) هیچ يك نقطه استناد بدست نیامد و حفریات مجاور یا شبیه هم در میان نیست و اسناد قابل منایسه هم بکلی دستگیر نگردید مطالعه حاصلات چاهها کاری است در نهایت اشکال. موسیو «تریستران» عضو هیئت حفریات از ماه ژوئیه تا سپتامبر مشغول مطالعه این موضوع شدیم و تیگرهای مکشوف را بشکال دقت طبقه بندی کردیم. متذالك چون این طبقه بندی هم يك چیز موفیتی است اینجا در جزئیات آن صحبت نمیتوانیم. عجاناً فقط اینقدر تصریح میشود که پارچه های تیگرهای مکشوفه عموماً حایز دو دسته بزرگ است : یکی تیگرهای لعابدار و دیگری بیلعاب .

تیگر لعابدار باز بدو دسته بزرگ تقسیم میشود : یکی آنکه لعاب آن فقط يك رنگ دارد و آن رنگ هم بصورت عمومی آبی یا سبز میباشد و دیگر لعابدار چندین رنگه که داخل آن از نقطه نظر تزمین و اشکال دسته های متعددی را میتوان تشخیص داد. (از

تصاویر ۲ تا ۵) اگرچه تعیین تاریخ و زمان این دسته های مختلف تیسکر کاری است مشکل که عجباً لناً از قدوت ما خارج است معذالک در يك قسمت آن شبهه نمی نیست که تیسکر های لعابدار چندین رنگه همه متعلق به ادوار اسلامی است. حال آنکه این نظریه در مورد تمام تیسکر های ما ب دار يك رنگه صدق نمیکند و احتمال دارد که يك قسمت آن مربوط به زمانه های بیشتر باشد.

در میان دسته تیسکر های بی لعاب نمونه های مختلفی را به قرار ذیل تشخیص داده ایم:

الف: تیسکر تاپه دار (تصویر ۶) که گاه گاه شباهت يك نوع تیسگری دارد که در بگرام و نقاط دیگر خیلی فراوان است و معمولاً آنرا به عصر کوشانی نسبت میدهد.

ب: ظرفی از تیسکر گلایی پوشیده با لعاب سفید، این ظرف يك نوع فطی استواره بی شباهت دارد که قسمت سفلی آن کلان و تحت آن بکنوع بر آمدگی مرکزی هموار دارد که کار پایه را میدهد (تصویر ۷) از این ظرف تا حال فقط پارچه هائی بدست آمده و پس.

ج: بکنوع تیسکر سفید که از آن عموماً قندق یا بشقاب کوچک لب بر گشته (تصویر ۸) و دسته های مختلف ظروف (تصویر ۹) بدست آمده است.

د: بکنوع تیسکر سرخ (تصویر ۱۰)

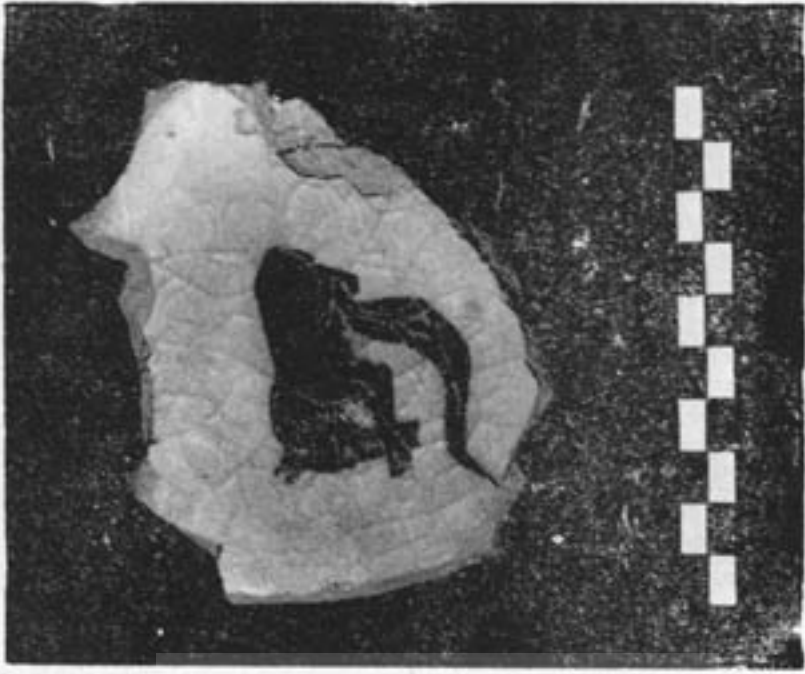
ه: بکنوع تیسکر سرخ لیم (تصویر ۱۱)

در روشنی معلوماتی که از ما حاصل خفیات چاهها بدست آمده مراب نشر خاک توده ها در چهار منطقه بی که مطالعه شده قرار آتی است:

(۱) تپه زرگران: طبقات شامل تیسکر لعاب دار بعد از جای نمره (۱۱) دارای

ضخامتی میشود که به ۶ متر میرسد این ضخامت در چاه نمره (۴) ۵ متر در چاه نمره (۲) ۵ متر و در چاه نمره (۱) ۴ / ۷۵ متر میباشد در باقی نقاط همه جا این ضخامت از ۳ متر کمتر است و در دو چاه این فشر نهایتاً ۱ / ۲۵ متر میباشد پسگی در چاه نمره (۷) که از ۱ / ۲۵ متر تجاوز نمیکند و دیگر در چاه نمره (۳) که در آن تیسکر لعاب دار يك رنگه فقط تا عمق ۱ متر پیدا میشود و تیسکر لعاب دار نقش دار بسکلی وجود ندارد.

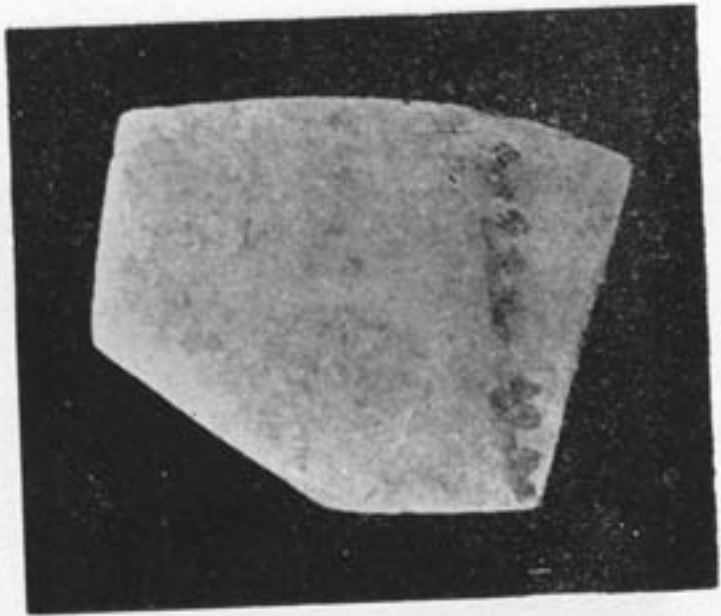
حدود تعیناتی تیسکر های لعاب دار نقش دار و تیسکر های لعاب دار يك رنگه در بسیاری از چاهها منجمده چاه نمره ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۱۰ بسکی میباشد و وقتی که این حد بسکی نباشد حد تیسکر لعاب دار نقش دار بالاتر از حد تیسکر لعاب دار يك رنگه قرار میگیرد (اختلاف عمق از ۱ متر تا ۲ / ۲۵ متر میباشد). خلاف این نظر به مشاهده شده در يك جا (چاه نمره ۲) که تیسکر لعاب دار نقش دار به ۲ / ۷۵ متر و تیسکر لعاب دار يك رنگه به ۵ متر تمام میشود مجدداً تیسکر لعاب دار نقش دار بعد از ۴ متر انقطاع بین ۹ متر و ۹۹ متر پیدا میگردد. طبقات سطحی که در آن تیسکر لعاب دار بمقدار زیاد و بدون انقطاع دیده میشود به زلغامت کلی فشر طبقات اسلامی موافقت ندارد این نظریه را چاه نمره (۱۰) ثابت میسازد برام با وجود بسکه تیسکر لعاب دار نقش دار به ۱ / ۲۵ متر ختم میشود و تیسکر لعاب دار يك رنگه به ۲ / ۱۰ متر متوقف میگردد. باز هم در عمق (۸۰ / ۴ متر) يك بسکه اسلامی بدست آمده است. همین قسم در چاه نمره (۵) اگرچه تیسکر لعاب دار نقش دار به ۱ / ۷۵ متر و تیسکر لعاب دار يك رنگه به ۲ / ۷۵ متر ختم میشود باز هم بین ۲ / ۲۵ متر و ۳ / ۶۰ متر



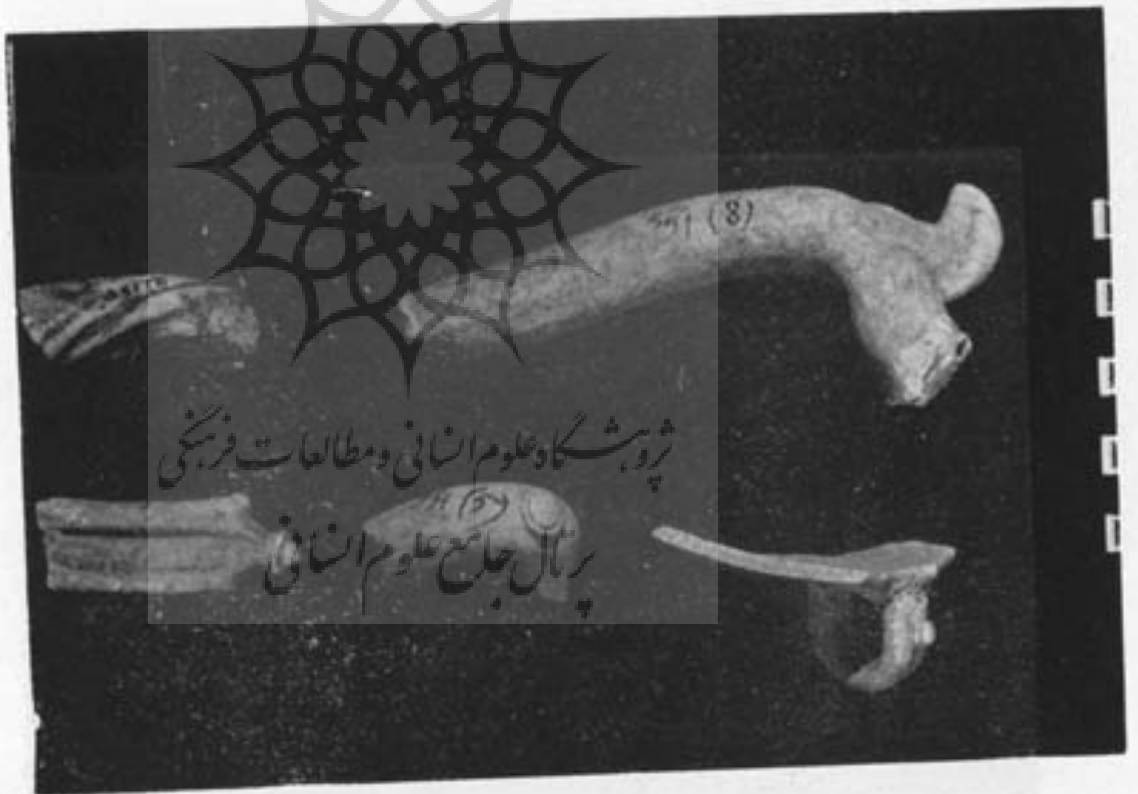
تصویر (۵) ته کاسه، تصویر به رنگ سبز روی متن سفید (چاه ۴۹ عمق ۱۰۳۰ متر)



تصویر (۶) پارچه های تیکر با نقوش نایب شده مکتوفه از طبقات نطنزی تیره زر کران و بلاحصار و دروازه جنوبی بلخ .



تصویر (۱۳) پارچه نیکر . روی آن نوشته‌نی
به رسم الخط سغدی است .



تصویر ۹- انواع مختلف دسته؛ چهار عدد آن از دروازه جنوبی
بلخ از جام شماره (۵۱) و پنجمی از تپه زنده کپران از جاه نمره
(۱۱) کشف شده است

متر پارچه تیسکر با رسم الخط سفیدی مربوط به قرون اولیه اسلامی و پایان تیر در حوالی ۷/۶۵ متر يك سکه اسلامی کشف شده است. چون آخرین پارچه تیسکر جا بجا در یکی از جدار های این چاه از عمق ۷/۹۰ متر برداشته شده و از آن بعدتر به زمین طبیعی تماس کردیم در آن تا عمق ۹/۶۵ پایان رفتیم بلاشبهه گفته میتوانیم که اقلان درین نقطه طبقه اسلامی قدیم بصورت مستقیم روی زمین اصلی طبیعی فرار گرفته است.

معدالک درهمه جا اینطور نیست. در حصه مرکزی تپه زرگران که بالاتر از طبقات تیسکر لعاب دار خاک توده های ضعیفی وجود دارد که در جاهای نمره (۲) و (۳) از ده متر تجاوز میکنند و چاه نمره (۱۲) بلاشبهه يك حصه آن اقلان به دوره های پیش از اسلام تعلق میگیرد چنانچه یاره حقایق دیگر این نظریه را تقویت میکند.

(الف) کشف يك پارچه تیسکر در چاه نمره (۱) بین ۴/۵۰ متر و ۴/۷۵ متر که روی آن به سیاهی چند حرف رسم الخطی تحریر است (تصویر ۱۳) که موسیو کوریل و عضو هیئت باستان شناسی آنرا غروشنی تشخیص داده و شیوه متاخرین که در آن مشاهده میشود کتیبه مقام نیا Niyā را بخاطر میارد (۱)

(ب) کشف يك سکه نقره منی ساسانی در چاه نمره (۲) به عمق ۶/۲۰ متر و کشف مسکوکات مسی کوشانی در همان چاه از عمق ۵/۷۰ متر و ۷/۷۵ متر و ۸/۵۰ متر و کشف يك سکه سوتر مگاسی به عمق ۱۰/۷۵ متر. همین قسم ظهور مسکوکات کوشانی در چاه نمره (۳) به عمق ۳/۵۰ متر و ۶/۵۰ متر و ۸ متر در چاه نمره (۴) به عمق ۶/۲۵ متر در چاه نمره ۶ به عمق ۵/۵۰ متر در چاه نمره (۷) به عمق ۱/۱۰ متر.

تمام این مسکوکات بالاتر از حدود تحتانی طبقات مخصوص تیسکر لعاب دار بدست آمده به استثنای سکه منی که از چاه نمره (۷) پیدا شده که محل کشف آن سطحی است که تیسکر لعاب دار در آن ختم میشود و اول استثنای و اولی آن چاه نمره (۲) که فراریکه شرح یافت تیسکر های لعاب دار يك رنگه بین ۹ متر و ۹/۵۰ یعنی با بیان تر از مسکوکات کوشانی و بالاتر از سکه های سوتر مگاسی بدست آمده اند.

(ج) کشف سر و صورت مجسمه منی از گسل ریخته سرخ در چاه نمره (۳) از عمق بین ۷/۵۰ و ۸ متر تنها سر مجسمه بدست آمده. ریش ندارد و پروت دارد. به صورت او هم صدمه رسیده و کلاه او هم خساره کشیده برآمدگی هائی که هم سطح رخساره هایش معلوم میشود با گوشواره های بزرگ و با حصی از کلاه اوست. این سربیت سربارنی با ساسانی قابل آنست که با هیکل های مکشوفه از ترکستان روسی مقایسه شود (تصویر ۱۴).

(د) قبایفه چاه نمره (۱۰) که فرار آنی است تیسکر لعاب دار نقش دار به عمق ۱/۲۵ متر و تیسکر لعاب دار يك رنگه به عمق ۲/۲۵ متر متوقف میشود. مسکوکات اسلامی به اعماق ۲/۱۰ متر و ۴/۸۰ متر بدست آمده. بین ۳/۶۰ متر و ۴ متر

(۱) این کتیبه فراریکه میدانند متعلق به قرن سوم مسیحی است ولی نوشته مکشوفه از بلخ جدید تر خواهد بود.

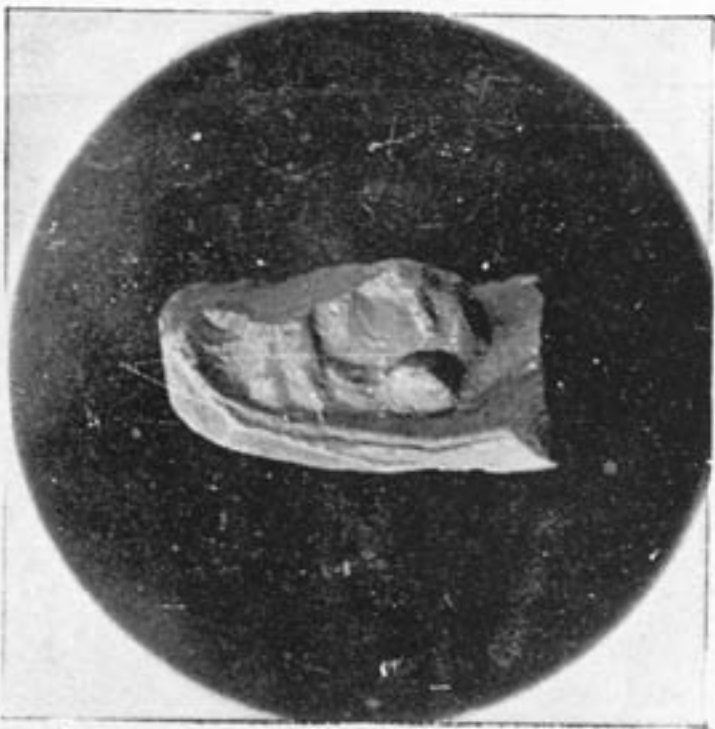
تیسگری کشف شده که روی آن به سیاهی سه حرف به گونه رسم الخطی تحریر است که تا حال نوعیت آن تعیین نشده . بین $۳۰ / ۴$ متر و $۱۰ / ۶$ متر بقایای دیوار سنگی ملاحظه شده است که مواد آبدی دیگر در آن بار دیگر استعمال شده و سنگ های تراشیده و مخصوصاً فاعده یک ستون پایه و فاعده یک پایه با نقوش قدیمه بصورت تقریباً حتم حکم میکنند که از ویرانی کدام معبد بودائی بدست آمده باشد (۱) چون یک عددسکه اسلامی ازین سطح بدست آمده است واضح میشود که ساختن این دیوار پیش از عصر اسلامی بعمل نیامده ولی چنین مینماید که طبقات قبل از اسلام متصل به آن پایان تر باشد زیرا یک سکه کوشانی به عمق $۷۰ / ۶$ متر کشف گردیده است چون موادی که بدست آمده محدود و کم است با شرایط موجوده تحقیقات نمیتوان در باب مسئله مهم خالیگما های احتمالی طبقه بندی خاک توده های بلخ اظهار نظری کرد . در چاه نمره (۵) چنین بنظر می آید که طبقات قدیمه اسلامی بصورت مستقیم روی زمین اصلی قرار گرفته باشد . در چاه نمره (۱۰) که طبقه اسلامی ظاهراً روی طبقه پیش از اسلام قرار گرفته است علامه ثبوت خالیگماهی در بین نیست . از طرف دیگر کمی ضخامت طبقه تیسگر لعاب دار در یک سلسله چاهها چنین واضع میگردد که این طبقه نماینده یک دوره نسبتاً کوتاه و بلا شبهه جدیدی باشد . وجود مسکوکات کوشانی در چندین چاه به عمق کم و پایان تر از حد تحتانی تیسگر لعاب دار و در چاه نمره (۷) هم سطح حد مذکور دلایلی است بر وجود خالیگماهی که درین چاهها به اعصار قدیمه اسلامی مطابقت میکنند .

(۲) بالاحصار : در بالاحصار طبقات شامل تیسگر لعابدار روی عمر فته خیلی ضخیم تر

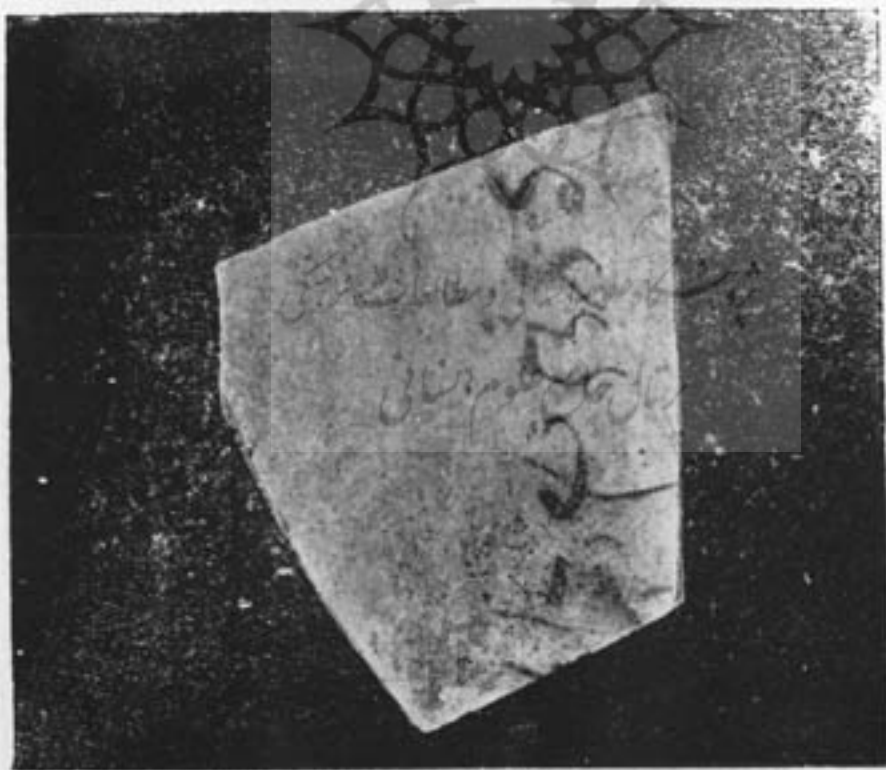
از تیره زر گران میباشد چنانچه در چاه نمره (۲۳) از ۸ متر در چاه نمره (۱۳) از ۷ متر در چاه نمره (۳۰) (۲۸) (۲۹) (۲۴) از ۶ متر و در تقریباً ده چاه دیگر از ۵ متر متجاوز است . حد تحتانی تیسگر لعابدار نقش دار واحد و تیسگر لعابدار یک رنگه عموماً یکی میباشد و در جانی که نباشد حدود تیسگر لعابدار یک رنگه پایان تر از حدود تیسگر لعابدار نقش دار فرار میگردد و بصورت عکس آنها غالباً مشاهده پیوسته است و اختلاف عمق در حالی که مشاهده شود بسیار کم و غالباً کمتر از یک متر میباشد و بدین سبب میتوان گفت این اختلاف هم اتفاقی است و طبقات تیسگر لعابدار یک بسده واحد تشکیل میدهند .

این طبقات مانند طبقات تیره زر گران شامل مسکوکات اسلامی میباشد و اختلاف آنها از طبقات تیره زر گران تنوع زیاد تیسگر های چندین رنگه تیسگر های سبز کم رنگ و چینی چین میباشد که تیره زر گران فاقد است (تصویر ۱۵) اما علت این فقدان غیر از اتفاقات چیز دیگری نیست زیرا پارچه های چینی آتقدر زیاد نیست .

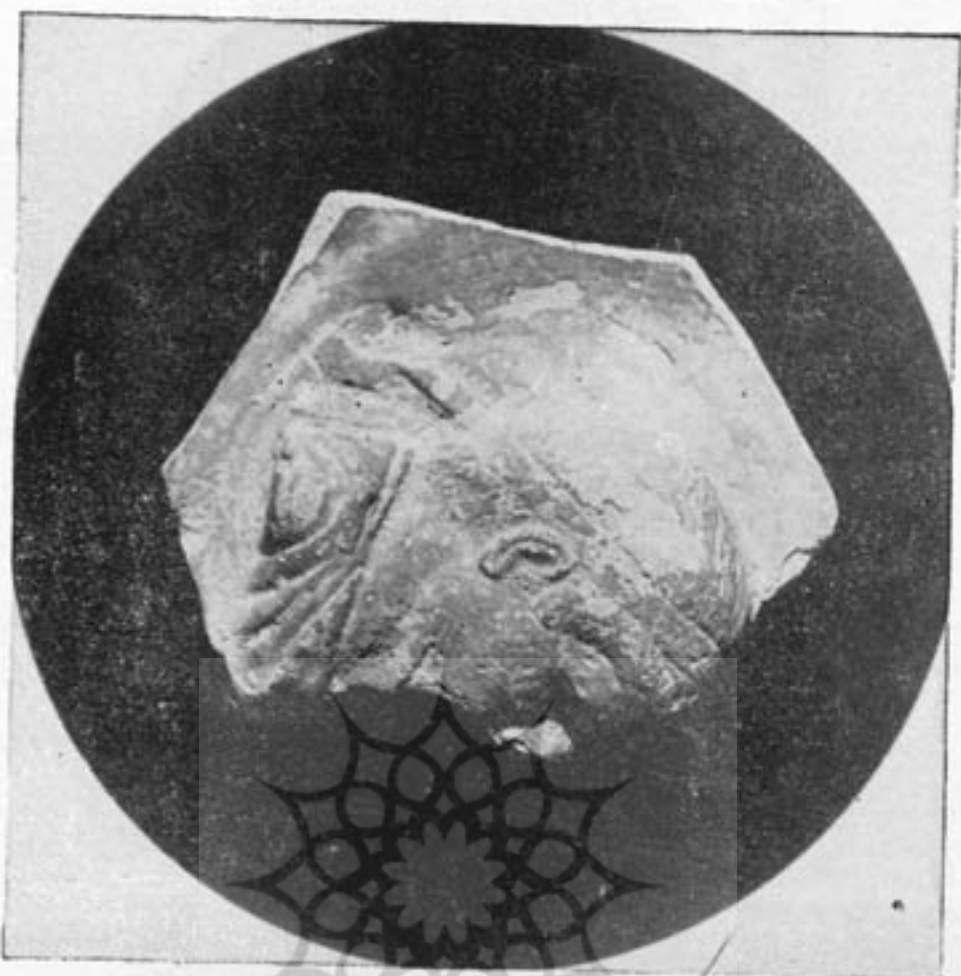
(۱) ازین نوع فاعده پایه هائی سنگی سه عدد در فن دوز هم دیده شده است . خاطره سرویس باستان شناسی هند مقالات (بارجر) و (رایت) ملاحظه شود . در بلخ هم دیده شده است مقاله دا کتر ویلر در (آنتنی کوشی) نمره ۸۲ (ماه ژون ۱۹۴۷) صفحه ۲۶ ملاحظه شود



تصویر (۱۴) پارچه از يك مجسمه .



تصویر (۱۳) پارچه تپکر با نوشته خروشتی



تصویر (۱۶) تپه ظریف ؟ این سر بر چیسته سایش یافته و به دور موهها
 فینه که علامه تاج است مشاهده میشود .



ژردیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

تصویر (۱۵) پارچه های چینی عین مکتوفه از ضیافت
 قوقانی بالا حفاری .

در چاه سره (۳۹) عمق ۱ / ۵۰ متر و ۵ متر پارچه تیکر واحدی بدست آمده که اگر به نقش آن نگاه شود آنرا حتماً با یونانی یا الهام گرفته شده از یونانی میتوان خواند و بنسوع خود تنها پارچه است که تا حال از سر زمین بلخ کشف شده است. این پارچه تیکر به بشقاب یا جامی است از تیکر سرخ که در حصه مقعر آن بصورت برجسته سرجوانی بدون ریش نقش است و از روی فینته تاج میتوان اورا یکسفر شهزاده نی قبلس کرد (تصویر ۱۶) چون نیمرخ صورت او خواره دیده شناختن شخصیت او غیر ممکن است معذالک شباهت زیاد به تصاویر مسکوکاتی دارد که متعلق به پادشاهان مختلف یونانو باختری میباشد. ضمناً یادآور میشویم که سطحی که این پارچه از آن بدست آمده حد تحتانی تیکر لعاب دار منقوش را درین چاه دربر میگيرد حالانکه تیکر لعاب دار يك رنگه تا عمقی ۲۵ / ۶ متر هم کشف شده است معذالک از وجود چنین يك پارچه واحد مجزی نتیجه نمی فطمی راجع به تعیین حدود طبقاتی خاک توده ها نمیتوان گرفت .

درهشت نقطه یعنی در چاه های نمره ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۶ ، الف ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۲ ، ۳۰ تیکر لعاب دار تا سطح آب که عجزاً تا چاه های فوق را تشکیل داده است کشف شده است و پایان تر از آن هم معلوم نیست که تیکر مذکور وجود دارد یا خیر . در ۲۷ چاه دیگر بالاخص این چنین طبقات وجود دارد ولی ضخامت آنها همواره کم میباشد بدین ترتیب :

۴ / ۵۰ متر در چاه نمره (۴۵) - ۲ / ۶۵ متر در چاه نمره (۳۵) ۳ / ۱۵۰ متر در چاه نمره (۳۴) و در مابقی نقاط کمتر از سه متر میباشد. چون هیچ يك سکه خوانده نشده بدست نیامد ، میتوان گفت که رطوبت زیاد است و همه را فاسد کرده است .

(۳) و (۴) منطقه دروازه جنوبی و مرگزی تیکر لعاب دار يك رنگه و تیکر لعاب

دار نقش دار به استثنای بسیار محدود تا همان اعمافی دیده شده که در بالاخصار به مشاهده پیوست . بناء علیه مورد ندارد اینجام بحث جداگانه نمی برای این باز کنیم . مانند بالاخصار ضخامت طبقات شامل تیکر لعاب دار به اندازه کسافی زیاد است (بیش از ۶ متر در چاه نمره ۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۴) (۵۹) . مانند بالاخصار این طبقات بالای طبقات قدیم تر ولی نازک تری فرار گرفته (در هیچ جا از سه متر ونیم تجاوز نمیکند بلکه کمتر میباشد) که بعلت نبودن مسکوکات و تیکر ممیزه و کدام علامه فارقه دیگر تعیین تار بیخ آن ممکن نیست .



علم آوری در خرابه های شهر بلخ ذریعه حفر چاه ها که آنها در مرحله آغاز آنست طبعاً باید منتهی به اکتشاف مهمی نمیشد زیرا مقصود از حفر آنها تحصیل معلومات مقدماتی است راجع به مراتب طبقات برخی از مناطق خرابه زارهای بلخ ازین نقطه نظر اگرچه نمره مثبت حفريات محدود است باز هم نتایج خالی از مقدار نیست .

عمق طبقه شامل تیکر لعاب دار نقش دار حد اقل ضخامت فشر اسلامی خرابه ها را نشان میدهد افلا در سی از چهار منطقه می که تحقیق شده یعنی در تبه زر گران وجود طبقه ضخیم پیش از اسلام امری است مبرهن ، روی این طبقه فشر اسلامی نسبتاً نازکی فرار دارد . در بقیه نقاط طبقات تحتانی عاری از تیکر لعاب دار نقش دار نازک و تار بیخ آن غیر معین است زیرا انواع مختلف تیکر های بی لعاب که بالا ذکر شد کدام مفهوم دقیقی

به ترس باز میگرقتند چون وسائل انتقال اخبار بسی کنند و نا مکمل بود به تناسب طول فاصله از محل واقعه داستانها را جمع به آن دامنه دار تر میشد کار آن حادثه در چنین نواحی دور افتاده از ستون نور بوجود ماه کشید. می گفتند شبانگه در نخب از درون زمین ماهی بیرون می آید که به مراتب بزرگتر از ماه آسمان است - این خرق عادت عقول مردم زمان را تکان میداد و افکار را مشوب میداشت!

کنجکیکی وی و حیرت اهالی بی جان بود بر آستی که در مدت دو ماه در نخب از چاهی که در قلعه سیام بود هر شب ماهی بر می آمد و چنانکه در نواریخ ثبت کرده اند نور آن تا چهار فرسنگ را روشن مینمود.

پس مردم را در اضطراب و وحشتی که بدان گرفتار بودند ملامت نکنید از آن تاریخی تا کنون بیش از یک هزار و دویست سال قمری سپری گردیده و در طی این مدت بر میزان معرفت عمومی با پیشرفت علم و کشف برق و بخار بسی افزوده است - معذالك اگر فرضاً امروز نظیر آن حادثه در روز کارما بظهور آید باز هم موجب حیرت و تعجب فراوان خواهد گردید.

این جادورا کسی بوجود آورده؟ وسائق و محرك و ماهیت این عمل چه بوده است؟ این سوالات ما را بیکمی از حوادث بوجسته مانده دوم هجری و نیز بیگسی از بزرگترین مظاهر حس انسانی آشنای عالمی سازد! انسانی

آثار هشیاری و استعداد غیر عادی از همان آوان کودکی در سیه هشام میدرخشید پدرش حکیم که از اهل بلخ بود بدربار امیر خراسان راه و مقام داشت و لوازم تعلیم و تربیه هشام را به تمام مهیا میداشت.

اگر يك حادثه سوء پیش نیامده بود شاید هشام راهبرای که در مقابل او از راه علم و معرفت کشاده بودند بوضع عادی طی میکرد و کس چه میدانست که اگر ازین راه میرفت یکی از پیشروان معارف امروزه محسوب می شد؟ اما تقدیر او را برای پهلوانی صحنه دیگری برا نگیخت به بینید از چه راه؟ آبله کشید و این مرض مدهش وجود او را چنان قلبه کاری نمود و بدتر کیب ساخت که چون صحت یافت